



اول سپتمبر 2012

ف، هير مند

نظام بسته ای در رأس غیر وابسته ها در باره کنفرانس دول غیر منسلک

وقتی به صحنه های مجلس افتتاحیه سران و نمایندگان دول غیر منسلک در 30 اگست 2012 در تهران مواجه می شویم، و به کرکتر های همانند احمدی نژاد، دکتاتور ایران بر می خوریم، به یاد صفایی بنیگذاران این جنبش می افتیم که از کتله عظیم انسان های کره خاکی ما نمایندگی می کردند، در باندونگ، در بلگراد، در قاهره، با جواهر لعل نهرو با آن پرداخت های ضد استعماری اش، با تیتو و مستقل بودن اش در برابر پیمان وارسا، با جمال عبدالناصر با آن دسپلین آزادیخواهانه اش، با سوکارنو با آن شوخی های رسمی و دیپلمات مآبانه اش، با سکوتوره همراه آن اصالت ناب افریقایی اش، با سردار محمد داود با حضور با هویت و افغانی اش، بن بلا، کاسترو و دیگران. . . آن رهبران براننده آن مرحله از تاریخ ما توانسته بودند علی الرغم تمام دشواری های محتوایی و ساختاری برای آن جریان عدم انسلک خویش تعریف و توصیف دقیق و مشخصی بدهند، که تا حالا اعتبار و اهمیت خود اش را حفظ کرده است، آنان در آن زمان نیاز های اساسی اکثریت باشندگان زمین را در این ده اصل آن جنبش گنجانیده بودند:

- 1 - کاهش تشنجات در روابط بین المللی.
- 2 - حل مسالمت آمیز اختلافات به وسیله مذاکره، حکمیت و میانجیگری.
- 3 - تساوی حقوق ملت ها و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی.
- 4 - مبارزه علیه استعمار.
- 5 - مبارزه علیه تبعیض نژادی.
- 6 - همکاری بین المللی و حمایه از صلح.
- 7 - همزیستی مسالمت آمیز.
- 8 - رعایت منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین المللی.
- 9 - رعایت اصل عدم تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی کشورها.
- 10 - شرکت نکردن در اتحادیه های نظامی بین المللی.



شگوه و جلال میان خالی تالار مگر می تواند موقف متناقض ایران را با اهداف کنفرانس ببوشاند؟؟

گرچه در ظاهر امر این اصول و ارزش های مندرج آن، در دوران ما دیر مانده و باسی به نظر می رسند ولی درست همین اصول هستند که در جریان تکامل و انکشاف، اصل های گسترده تری شدند و یا اصول جدید و مکمله مورد نیاز امروزی را

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ایجاد کردند. سبب عمده بروز نهضت عدم انسلاک آن بود تا در برابر تقسیم جهان توسط ابر قدرت ها استادگی صورت گرفته و مقاومت به عمل بیاید، جهان سوم با ایجاد این مقاومت، خویش را از «شی بودن» وارهانید و هویت خویش را به حیث ملل دارای اراده و حق انتخاب، تبارز داد، جهان سوم به این ترتیب خواست تا حدود زیادی از مبدل شدن اش به حیث مناطق قابل نفوذ ابر قدرت ها جلوگیری کند، گرچه بعضاً برخی از اعضای این جنبش در دام ابر قدرت های وقت نیز گیر افتادند، چنانچه محدودی از این اعضاء به تأیید اشغال افغانستان توسط شوروی سابق تن در دادند، زیرا این موضع گیری با کمک های مغرضانه شوروی خرید می شد.

طوریکه تاریخ گواه است جنبش عدم انسلاک در آن دوران با تمام خلوص نیت به اهداف و مقاصد مطروحه آن

می جنبید، این که بهره برداری و کاربرد غیرمعیاری از پیش این نهضت صورت بگیرد، یک گرایش عمده نبود.

اما طوریکه جریان جلسات این جنبش در کنفرانس فعلی تهران نشان داد، انتقال رهبری سه ساله این جنبش به رژیم مفلوک ایران تصادف بد و ناگواری بوده است. زیرا رژیم آخوندی و شوونیست ایران در صدر مواظبت از اصولی قرار می گیرد که خود مهمم به نقض تعداد زیادی از این اصول می باشد (که «بانکه مون» سرمنشی ملل متحد حضوراً و رسماً این تناقض وضعیت را ابراز و مورد انتقاد قرارداد) اصل های که توسط دولت ایران نقض شده می روند کدام ها خواهند بود:

الف: در امور بین المللی:

اول: طرح نقش جهان سومی ها در اداره امور دنیا (مدیریت جهان) که ایران آن را مطرح کرده است، ایران حتی قبل از آن که در پست ریاست جنبش عدم انسلاک بیاید، هوا و هوس «رهبری دنیا!» را در سر داشت دولت آخوندی «در جایی بوده که کشمیر را خواب می دیده است...» ایران این موضوع را بدان گونه که جهان سومی های اصولی مطرح می کنند، طرح ننموده است، ایران به حضور خودش در مقامات مهم تصمیم گیری جهان خیال پلو می زند، تا از آنجا رقابت اش با ایالات متحده امریکا را دنبال کرده و حس شوونیزم اش را اقتناع کند، یعنی یک سر و گردن از دیگر اعضای جنبش برتر باشد (نقض ماده سوم اصول فوق الذکر). ایران به این جنبش بیشتر به یک محل دریافت فایده و کسب منفعت می نگرد، تا آنکه به ارزش های آن تعهد پابندی ابراز نموده باشد، این قصد او از پیشنهاد های اش برای این جنبش کاملاً هویدا است، آخوندها سعی می کنند، ستراتیژی جمهوری اسلامی! را بر مشی غیر متعهد ها تحمیل کنند، امری که به شفافیت عدم انسلاک جنبش می تواند صدمه جدی وارد کند.

اما این خواست کاملاً عادلانه است که بنا بر تحول اوضاع عمومی جهان باید توسعه اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد به نحوی تغییر کند که پاسخگوی تقسیم مسؤولیت های بین المللی کنونی باشد، که به این صورت کاندیدای دولی مانند جمهوری برزیل از امریکای لاتین، جمهوری هند از آسیا و جمهوری آلمان فدرال از اروپا، به حیث اعضای دایمی جدید شورای امنیت ملل متحد سر زبان هاست، این دول تا حال در قضایای مهم بین المللی، درجه بلند مسؤولیت را برای حفاظت از صلح و امنیت بین المللی از خود نشان داده اند.

دوم: بر اساس مواد «1» و «2» و فقرات مربوط آن در فصل اول منشور سازمان متحد، دول عضو متعهد اند، با رعایت کامل حق تساوی، به حق حاکمیت و سایر حقوق همدیگر احترام بگذارند، پابندی به مندرجات منشور ملل متحد در ماده 8 اصول غیر منسلک ها نیز تصریح و تأکید شده است، ولی رژیم ایران مغایر این اصل نه تنها حق حاکمیت اسرائیل را در قلمرو قانونی آن کشور به رسمیت نمی شناسد، بلکه خواهان محو کامل آن کشور از نقشه جهان است، آنهم به ابعاد نژادی و دینی آن، که برای اثبات این رویه دولت ایران به ده ها مدرک و سند اثباتی وجود دارد، صحیح است که اسرائیل با صهیونیزم خود ظالمانه و متعرضانه عمل کرده و بخشی از اراضی فلسطین و دیگر مناطق عربی را اشغال کرده است، ولی این جنایت اسرائیل نمی تواند، دلیلی برای توجیه امحای اسرائیل و مردم آن باشد، پس موضع نژاد پرستانه و انتقام جویانه ایران در این مسأله، موقعیت آن را به حیث یک کشور خوددار، مدبر و غیر جانبدار در رأس ممالک غیر منسلک جداً مورد سوال قرار می دهد، چنین دولتی به هیچ وجه حایز اهلیت و قابلیت ریاست دول غیر وابسته نمی باشد، (مراجعه شود به سخنان با اهمیت «بانکه مون» سرمنشی ملل متحد).

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

در حاشیه این موضوع قابل تذکار دانسته می شود که بعضاً عده ای به جای آن که صهیونیسم را ملامت و مورد انتقاد قرار بدهند، در کوبیدن اسرائیل تا مرز تبلیغ کینه و نفرت بر علیه یهودی ها پیش رفته و از خط سرخ می گذرند یعنی تبلیغ بر علیه یک گروه مشخص نژادی، مذهبی، قومی، منطقی و... اخلاقاً نا مجاز بوده و به استناد اسناد حقوق بشری جنایت شناخته شده است (ماده 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی).

سوم: دولت مداخله گر ایران مناقض ماده 9 اصول کشور های عدم انسلاک دوسیه های متعدد مداخله در امور کشور

های دیگر دارد عراق، لبنان، سوریه و افغانستان کشورهای قربانی این مداخله و تعرض ایران در امور ممالک دیگر می باشند، آخوند ها در عراق تخم برادر کشی میان اهل سنت و اهل تشیع را پاشیدند و مسؤول ریختن خون صد ها تن مسلمانان عراقی اند، در لبنان حزب الله را با سلاح های مخوف مجهز کردند تا آنان نیز هموطنان خویش را با سلاح ایرانی بکشند، در افغانستان کشور معصوم ما نیز به گروه های بسیار مختلف سیاسی و مذهبی کمک های تسلیحاتی، ایدئولوژیک و اقتصادی را فراهم می سازد تا افتراق و نفاق مورد علاقه ایران را در کشور ما ساز و سامان بدهند، دولت ایران نمی تواند، نیات سلطه جویانه اش را در وطن ما پنهان کند، ایران تقریباً به تمام گروه های تروریستی منطقه ما سلاح و مهمات فراهم می کند. و اما در سوریه، ایران اصول «اسلامی!» اش را فراموش کرده و در کنار لاهمذوب ترین دول (چین و روسیه) موضع گرفته و از رژیم در حال سقوط و خون ریز سوریه حمایت نظامی و اقتصادی می نماید، دولت ایران حامی نظامی است که اسناد تصویری جنایات آنرا همه روزه تمام مردم دنیا در رسانه ها شاهد اند. محمد مرسی رئیس جمهور مصر، صادقانه به عنوان وارث اصیل مصر غیر وابسته با درایت و زبان مؤدبانه مواضع سیاست ایران در قضیه سوریه و موارد برتر منشی مذهبی آنرا مورد نکوهش قرار داد. در هر حال اعمال متذکره رژیم ایران مناقض صریح ماده 9 اصول دول غیر منسلک و منافی نص تمام اصول نامبرده می باشند.

چنین رژیمی در رأس دول غیر وابسته، عرق سرد خجالت را بر جبین آنانی که به ارزش های عدم انسلاک واقعاً باورمندند، پدید می آورد، رژیم ایران مستحق چنین منزلتی نیست، به خصوص موجودیت نماینده دکتاتوری باطل شده و بی اعتبار سوریه باعث ناراحتی و تعجب اکثریت نمایندگان گردید

چهارم: دولت ایران سعی نمود تا به شکل و متن تدویر نهضت عدم انسلاک، رنگ دینی و گاهی عربی بدهد، این قصد ایران باعث شد تا حضور کشورهای افریقایی غیرعربی، امریکای لاتین و جنوب شرق آسیا و اوقیانوسیه جداً کم رنگ و کمتر محسوس و متبازلر باشد که این وضع حتماً موجب نا رضایتی خواهد بود.

پ: در امور داخلی:

نظام ضد دیموکراتیک و تک گرایی ایران و نحوه پیشامد آن با اتباع آزادمندش اش مغایر ماده 8 اصول عدم انسلاک است نقض و تجاوز صریح به ارزش های مندرج اعلامیه حقوق بشر، چه در تنظیم نظام وجود احزاب و چه در مورد نقض حقوق اتباع که خواهان برچیده شدن نظام دیکتاتوری آخوندی هستند، اسباب مثبت و مدارک توجیه این حقیقت می باشند وجود هزاران زندانی سیاسی در زندان ها، اعدام های ظالمانه و بر ناحق، به بند و زنجیر کشیدن مخالفین سیاسی، زیر پا کردن کثرت گرایی سیاسی و دینی (پلورالیزم) بی چون و چرا در ایران در معرض اجرا است، ایران در واقعیت امر نظام تک حزبی است، زیرا هیچ حزبی مغایر منشی تعیین شده در مصوبات مراجع آیت الهی، عرض وجود کرده نمی تواند.

چنین است سیمای جمهوری اسلامی! ایران که قرار است طی سه سال آینده در رأس کشور های غیر منسلک قرار داشته باشد، رژیمی که قبلاً متهم به خیانت به ارزش ها و اصول عدم انسلاک باشد در مواظبت از آن اصول چه اعتبار و حیثیتی خواهد داشت..؟؟

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ